**فاطمه يگانه گوهر خلقت**

نويسنده: سوسن جواديه

**پيامبر اكرم (ص) مي فرمايند:**«اگر نيكويي مي خواست شخصيتي به خود بگيرد آن شخص فاطمه بود. بلكه او بزرگتر است. همانا دخترم فاطمه در بزرگواري و كرامت و بخشش بهترين فرد برروي زمين مي باشد.» (فرائد السمطين ج 2 ص 68)
به راستي چرا پيامبر (ص) دخت خود زهراي مرضيه (س) را تجسم نيكي ها لقب مي دهد و او را چنين حكيمانه مي ستايد ؟
آيا صرفا بدين سبب كه آن بانوي بزرگوار به لحاظ تقوا و پاكدامني و حيا و عبادت و تهجد بر ديگر زنان عصر خويش برتري و امتياز داشته يا به اصطلاح از آنها سر بوده است يا آنكه نه آن حضرت در اصل و حقيقت خويش و ذاتا از خلقتي خاص و متفاوت برخوردار بوده اند مگر نه آنكه در شرح ولادت اين دردانه بي مثال هستي آمده كه:
«در شب معراج آن گاه كه وجود مبارك پيامبر اكرم (ص) را در آسمان ها سير مي دادند به هنگام گردش در ميان باغ ها و درختان بهشت رايحه اي بس دل انگيز و شميمي روح نواز استشمام نمود چون از آن پرسش كرد جبرئيل خبر داد كه اين عطر سيبي است كه خداوند سيصد سال پيش آن را به دليلي خلق فرموده و از آن هنگام فضا از عطر آن آكنده است. آنگاه فرشتگان را ديدند كه شادمان پيش آمده و آن سيب را با تكريم و تواضع به او تقديم نموده و چنين گفتند:
اي محمد! پروردگارت سلام رسانيده و اين تحفه را برايت فرستاده است.
رسول خدا (ص) آن سيب را تناول فرمود و پس از آن بود كه جسم مطهر زهرا (س) در درون مادر ـ از آن سيب بهشتي ـ شكل گرفت و سرانجام حوريه اي از جنين انسان پاي بر هستي نهاد » (تاويل الايات 1 236 ـ237)
و مگر نه اين است كه به هنگام ولادت او آن زمان كه زنان مكه خديجه كبري (س) را به توبيخ و سرزنش ازدواج با پيامبر (ص) ترك گفته بودند و در آن ايام بي كسي تنها همدم او طفلي بود كه از درونش با او سخن گفته و دلداريش مي داد. و پيامبر خدا (ص) مژده جبرئيل را برايش بازگو مي نمود كه مولود تو دختريست پاك و مبارك و خداوند ذريه مرا از او قرار مي دهد و اماماني از او بوجود خواهند آمد كه خليفه خداوند در زمين خواهند بود.
پس چون زمان ولادتش فرا رسيد چهار زن بهشتي ـ ساره و آسيه ومريم و صفورا ـ وي را از خديجه گرفتند و شستشو داده و در پارچه اي آغشته به مشك و عنبر پيچيدند و او لب به سخن گشود و چنين گفت: «گواهي مي دهم كه خدايي جز الله نيست و پدرم فرستاده خدا و سرور پيامبران شوهرم سرور جانشينان و فرزندانم آقاي اسباط مي باشند.»
و نيز مگر نه اينكه خداوند خود اين مولود مبارك را اسم گذاري كرده و «زهرا» «صديقه» «مباركه» «طاهره» «زكيه» «راضيه» «مرضيه» «محدثه» و «فاطمه»اش ناميد. و او را از هر شر و بدي دور داشته و مقامش را چنان رفيع گردانيده كه هيچ كس را به معرفت او راهي نباشد و نيز خداوند فاطمه و شوهر و فرزندانش را حجت بر خلق و درهاي دانش و حكمت قرار داد.
مگر نه اينكه:
پروردگار او را به همسري مردي در آورد كه سيد و آقاي دو سراست. (مناقب ص 399)
تسبيح و تقديس فرشتگان را در نامه عمل او و دوست دارانش ثبت نمود. (بحراني در عوالم العلوم ج 1 ص 6)
آن بزرگوار يكي از اهل كسا و مشمول آيه تطهير مي باشد كه فرموده: « انما يريدالله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهير » (احزاب ـ 33)
همانا اراده خداوندي بر زدودن هر گناه و پليدي از شما خاندان نبوت تعلق گرفت و شما را از هر عيب و كمبودي پاك گردانيد.
فاطمه زهرا (س) در لسان امام عصر (عج) تقديس گشته و به عنوان «اسوه» ياد گرديده: «و في ابنه رسول الله (ص) لي اسوه حسنه» و در دخت رسول خدا (ص) براي من الگويي نيكو وجود دارد. (بحارالانوار ج 53 ص 179)
آن بزرگوار صاحب « لوح » است .
از جابربن عبدالله انصاري روايت گرديده كه در زمان حيات رسول خدا (ص) به محضر فاطمه (س) وارد شدم تا او را به ولادت حسين (ع) تهنيت بگويم و مشاهده نمودم كه در دستان مباركش لوح سبز رنگي است كه پنداشتم زمرد مي باشد و ديدم كه در آن لوح با رنگ سفيد شبيه به نور خورشيد چيزي نوشته شده است. به حضرت عرضه داشته پدر و مادرم فدايت اي دخت رسول اين لوح چيست فرمودند: اين لوحي است كه خداوند به رسول خدا هديه داده و در آن نام پدرم شوهرم و دو فرزندم و نام اوصيايي بعد از فرزندم موجود مي باشد و پيامبر براي مسرور گردانيدنم آن را به من عطا فرمود. (كمال الدين و تمام النعمه ح ص 308)

**خشنودي و غضب فاطمه خشنودي و غضب خداوند است.**

رسول خدا (ص) فرموده اند: «ان الله عزوجل ليغضب بغضب فاطمه و يرضي لرضاها.»
خداوند به خشم فاطمه خشمگين و به خشنوديش خشنود است. (كنز العمال ج 2 ص 111)
و نيز از سلمان فارسي روايت شده كه رسول خدا (ص) فرمود: « اي سلمان هر كس دخترم فاطمه را دوست داشته باشد در بهشت با من خواهد بود و هر كس او را دشمن داشته باشد در آتش خواهد بود; اي سلمان محبت فاطمه در يكصد موقف سودمند خواهد بود كه آسانترين آن ها مرگ و قبر و ميزان و محشر و صراط و محاسبه است » (مقتل الحسين خوارزمي 59)

**مقام شفاعت حضرت زهرا (س) در آخرت .**

ضمن روايت طويلي رسول خدا (ص) به فاطمه (س) چنين مي فرمايند: در صحراي قيامت جبرئيل مي گويد اي فاطمه حاجت خود را بخواه و تو مي گويي پروردگارا شيعيانم! خداوند متعال مي فرمايد آنان را بخشيدم مي گويي پروردگارا شيعيان فرزندانم! خداوند مي فرمايد رها كنيد هر كه را كه به او چنگ زده است تا به بهشت درآيد. در اين هنگام خلايق آرزو مي كنندكه از زمره فاطميين باشند. (بحار ج 8 ص 53)
در روايتي از امام باقر (ع) نقل گرديده: «والله اي جابر! در آن روز حضرت فاطمه (س) شيعيانش و دوستانش را برمي گزيند همانگونه كه پرنده دانه نيكو را از دانه ي بد جدا مي كند.» (بحار ج 8 ص 51)
و نيز در روايت ديگري از رسول خدا (ص) آمده: «اي فاطمه! بشارت باد تو را. در پيشگاه خداوند مقام ارزنده اي داري در آن جايگاه براي دوستان و شيعيانت شفاعت مي كني و آن پذيرفته مي شود.» (كنزالفوائد ج 1 ص 150)
زهراي بتول (س) صاحب « مصحف » مي باشند.
از امام صادق (ع) روايت شده كه ضمن سخناني فرموده اند « ... آنگاه كه خداوند پيامبرش را از دنيا برد اندوه فراواني به فاطمه زهرا روي آورد كه كسي جز خدا اندوه آن را نمي دانست پس خداوند فرشته اي را فرستاد تا از او دلجويي كرده و با او سخن بگويد تا اندوهش برطرف گردد. حضرت فاطمه (س) اين مطلب را براي علي (ع) تعريف نمود آن حضرت فرمود هر زمان كه صداي ملك را شنيدي مرا خبر نما. پس هرگاه فرشته مي آمد حضرت امير را صدا مي زدند و ايشان هر آنچه فرشته مي گفت مي نوشتند تا آنكه كتابي گرد آمد كه همان « مصحف فاطمه » است و در آن اخبار و وقايع آينده ثبت است ». (بحار ج 43 ص 80)
حضرت فاطمه (س) در قرآن كريم مقام و جايگاهي خاص داشته است. سوره كوثر و سوره هل اتي و آيات بسياري در شان ايشان نازل گرديده است.

**كلام فاطمه:**

همواره كلام آدمي دريچه و نمادي از شخصيت دروني وي و روايتگر محتواي علمي و ميزان فضل و دانش هر شخص است. بانوي گرامي اسلام حضرت زهرا (س) اين تربيت شده خداوند و درس آموخته و پرورده پيامبر (ص) خود از مقام علمي و دانشي بس عظيم و منحصر به فرد برخوردارند كه اين عظمت و جايگاه علمي در سخنان و خطابه هايي كه از ايشان به جاي مانده به وضوح مشاهده مي شود.
براساس آنچه در تاريخ ذكر گرديده آن حضرت يكي دو بار بنابه حساسيت و ضرورت موقعيت خطابه عمومي داشته اند كه يكي از اين سخنراني هاي خطابه معروف به « فدك » مي باشد.
« فدك » بنابر آنچه در اسناد مسلم تاريخي آمده نام سرزميني بود كه پيامبر (ص) در زمان حيات خود بنابر فرمان الهي « و ات ذي القربي حقه » آن را به تمليك دختر خود حضرت زهرا (س) درآورده بود و ايشان نيز از اين ملك و درآمدهاي آن در جهت مصالح شخصي و عمومي بهره گيري مي فرمودند تا آنكه در زمان خلفا اين سرزمين نيز مورد هجوم و غصب قرار گرفت و بانوي گرامي اسلام از حق خويش محروم گرديدند. پس آن بزرگوار به ناچار با شرايط و مقدماتي خاص در مسجد حاضر گرديده و به منظور روشنگري و اتمام حجت با مردم و دفاع از تمامي حقوقي كه از خاندان رسالت غصب گرديده. خطابه اي جامع و غرا ايراد فرمودند كه مطالعه و دقت در جمله جمله اين كلام پرشكوه پرده از عظمت شخصيت آن حضرت برمي دارد.
دختر گرامي پيامبر اكرم (ص) در سخنراني خود خلاصه اي از تمامي آنچه پدر بزرگوارش طي ساليان دعوت خود به امت ابلاغ نموده بود بيان فرمود و يك دوره كامل از معارف و اعتقادات ديني را به صورت مجمل در اختيار مردم نهاد. ازجمله شرحي از توحيد و عبوديت خداوند و تذكر به نبوت پيامبر و محتواي رسالت او و توضيح مقام امامت و ولايت و نقش آن و اشاره به غصب حق اهل بيت و آثار سوئي كه تا به امروز باقي نهاده و تذكر به قيامت و عواقب امور.
خطابه فدك با نهايت شيوايي و بلاغت و فصاحتي كه خاص اين خاندان است بيان گرديده وداراي چنان معنا و محتواي پرباريست كه محققين و پژوهشگران درباره آن به بحث و تعمق پرداخته و مي پردازند.
در يكي از فرازهاي ابتدايي اين خطابه حضرت اينگونه اشاره مي فرمايند: « اشهد ان لااله الاالله وحده لاشريك له كلمه اخلاص تاويلها و ضمن القلوب موصولها و انارا الفكر معقولها الممتنع عن الابصار رويته و من الالسن صفته و من الاوهام كيفيته.»
گواهي مي دهم كه جز الله هيچ خدايي نيست. يگانه ايست بي نياز كلمه اي كه اخلاص و يكدلي را تاويل و فرجام آن قرار داد و دل ها را گستره ي پيوند با آن نمود و تار و پود جان ها را بدان سرشت و مشعل انديشه آن ـ توحيد ـ را در فضاي ذهن ها برافروخت خدايي كه ديدگان را ياراي ديدن و زبان ها را توان توصيف او نيست و خردها به چگونگي او راه نبرد...
در فراز پاياني بانوي بزرگوار اسلام مخاطبين خود را همچنان مورد توبيخ و انذار قرارداده و اينگونه هشدار مي دهند:
«اي مسلمانان كه با سرعت به قول باطل روي آورده ايد و در مقابل عمل ناپسند زيان آور سكوت نموديد و راضي شديد آيا در قرآن تدبر نمي كنيد يا اينكه قفل بر دل ها زده شده است نه چنين نيست بلكه اعمال بدتان قلبهاي شما را پوشانده و گوش و چشمتان را بسته است. بد تاويلي كرديد و چه بد مشورتي نموديد و چه شري است آنچه خير را به آن عوض كرديد. قسم به خدا بارش را سنگين مي يابيد و عاقبتش را عذاب مي بينيد. زماني كه پرده براي شما برداشته شود و پوشيده ها آشكار گردد و عذاب هايي كه گمانش را نمي بريد از سوي پروردگارتان بر شما ظاهر گردد و در آن هنگام صاحبان باطل زيان مي كنند.»
آن روز حضرت فاطمه زهرا (س) قلب حقيقت را شكافت به بشريت تا ابديت پيامي را فرستاد كه حقانيت اهل بيت را بر همگان آشكار نموده است. آن روز فاطمه (س) كه پدرش پيامبر را شاهد و ناظر مي ديد رو سوي قبر حضرت محمد (ص) كرده و درد دل خود ـ فرزند تنهاي پدرش و تمامي شيعيان ـ را چنين بازگفت:
«بعد از تو خبرها و گرفتاري هايي بود كه اگر تو حضور مي داشتي مشكلات چندان بزرگ نمي بود.
ما بسان زميني كه باران بهاري خود را از دست داده باشد تو را از دست داديم و قوم و ملت تو از هم پاشيدند تو بر آنان گواه باش كه سقوط كردند.
هر خانواده اي نزد خداوند نزديكي و مقامي دارد كه بر ديگران برتري و فضيلت دارد.
هنگامي كه درگذشتي و خاك بين ما و تو حائل شد افرادي كينه هاي دروني خود را براي ما آشكار ساختند.
مردم بر ما هجوم آوردند و به ما توهين شد. هنگامي كه تو از دنيا رفتي و تمام روي زمين از ما گرفته شد.
تو ماه تمام و نوري بودي كه از آن روشني و نور استفاده مي شد از سوي خداوند عزيز كتابهايي بر تو نازل مي گشت.
جبرئيل بوسيله آيات با ما انس مي گرفت تو از دست رفتي و همه ي خوبي ها در پرده فرو رفت.
اي كاش پيش از رفتن تو مرگ ما فرامي رسيد هنگامي كه تو درگذشتي و توده هاي خاك بين ما و تو فاصله شد و ما به مصيبتي گرفتار شديم كه هيچ اندوهناكي نه عرب و نه عجم بدانگونه مصيبت گرفتار نشده بود.»
امروز ما نيز چون فاطمه (س) قلب ها را به سوي قبر پنهانش مي كنيم و درد دل مهدي (عج) فرزند تنهاي فاطمه (س) كه از غم دلشكسته است را مي گوييم و براي فرجش دعا مي كنيم.
و نيز حاجات خود را بيان كرده و براي اجابت آن ها از او مدد مي جوييم و مي دانيم كه آن روز كه مهدي فاطمه (عج) بيايد همه دردها درمان شده و اشك هاي شوق غنچه هاي لبخند را آبياري خواهند كرد.

**منبع: پایگاه راسخون به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی**